

# ارزش وقت نزد علما

تألیف:

شیخ عبدالفتاح ابوَعُدَّه

ترجمہ و خلاصہ نویسد:

سید مسلم تختدار

مدرسہ امیریہ

جزیرہ قشم - گیاهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ارزشی وقت نزد علما

تألیف:

شیخ عبدالفتاح ابوغدّه

ترجمه و فاصله نویسی:

سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریه

مزیره قشم - گیاهدان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا  
مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ  
أَجْمَعِينَ.

در عصری که ما زندگی می‌کنیم؛ می‌بینیم که دنیا، مردم را مشغول زینتهای کاذب خود کرده است. فرد مسلمان صبح که از خواب بیدار می‌شود تا شب که به رختخواب می‌رود با جرأت می‌توانیم بگوییم که در برنامه‌ی روزانه‌ی وی، نیم‌ساعت مطالعه وجود ندارد و از وقتش استفاده‌ی صحیح نمی‌نماید، بلکه با تلویزیون، موبایل، اینترنت، واتس‌آپ، تبلت، لپ‌تاب، بازی ورق و سرگرمی‌های دیگر بطور وحشتناکی وقتش را ضایع می‌سازد که نه نفع دنیایی نصیب او می‌شود و نه نفع آخرتی. در حالی که ضایع کردن وقت سبب پشیمانی انسان در روز قیامت می‌شود. تمنای اهل جهنم این است که دوباره به آنان فرصتی داده شود و به زمین بازگردند تا از وقتشان به خوبی استفاده کنند، زیرا

خداوند متعال به آنان حیات و زندگانی بخشیده بود اما قدر لحظات زندگی خویش را ندانستند اکنون از کار خویش پشیمان اند لیکن پشیمانی دیگر سودی ندارد.

بنابراین وقت ارزش زیادی دارد و سرمایه‌ی گرانبهایی است و اگر فرصت‌ها غنیمت شمرده نشود در روز قیامت، انسان به نزد خداوند متعال می‌رود در حالی که کارنامه‌اش خالی از اعمال صالح است و در نتیجه زیان‌کار خواهد بود.

یکی از بهترین روش‌های استفاده از وقت، خواندن و مطالعه‌ی کتاب است که سبب می‌شود به علم فرد افزوده شود و هر چه علم زیادتر باشد تواضع و فروتنی بیش‌تر، و انسان، خدای خویش را بهتر می‌شناسد.

برای اینکه تشنه‌ی کتاب و کتابخوانی شویم ضروری است سرگذشت علمایی را بخوانیم که وقت به نزد آنان از طلا هم ارزش بیش‌تری داشت و با استفاده‌ی صحیح از وقت، توانستند میراث گرانبهایی را برای اسلام و مسلمین به جا بگذارند.

در رابطه با این موضوع، شیخ عبدالفتاح ابو غدّه رحمه الله کتابی را بنام [قیمة الزمن عند العلماء] تألیف نموده است.

این کتاب بسیار شیرین، جذاب و دلنشین است. مطالعه‌ی این کتاب به انسان قدرت و نیروی کتابخوانی می‌دهد و لذتی که علمای پیشین از کتابخوانی می‌بردند را به ما منتقل می‌سازد.

این کتاب با سحر و جادویش می‌تواند تحوّل عظیم در زندگی فرد ایجاد کند و او را به سمت مطالعه‌ی کتاب سوق داده، شیرینی و حلاوت مطالعه‌ی کتاب را به وی بچشاند.

همین امر سبب شد که خلاصه و مختصری از این کتاب را در اختیار عموم قرار بدهم تا مردم با علمای بزرگی که راه‌های ترقی را بر خویش هموار کردند و نام خویش را بر صفحات تاریخ به یادگار گذاشتند، بیشتر آشنا بشوند و دنباله‌رو راه آن بزرگواران باشند و به ارزش واقعی وقت خویش پی ببرند.

از خداوند متعال خواهانم هر کس این کتاب را با صدق و اخلاص بخواند به وی بصیرتی عطا نماید که قدر لحظه

لحظه‌ی زندگی خویش را بدانند و مطالعه‌ی کتاب را سر لوحه‌ی  
زندگی خویش قرار دهد و زندگی او سراسر علم و عمل باشد.

إِنَّهُ عَلَىٰ مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَلَا  
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

سید مسلم تخت دار

۹۸/۳/۱۹

مدرسه امیریه

جزیره قشم - گیاهدان



وقت و عمر بدون شک ارزشمندترین دارائی انسان است زیرا هرگز قابل برگشت نیست و تکرار نخواهد شد.

وقت تنها منبعی است که همه‌ی افراد بطور مساوی از آن برخوردارند. برخی انسان‌ها از آن در راه موفقیت و رشد و شکوفائی بهره می‌گیرند، اما برخی دیگر از انسان‌ها هستند که وقت نزد آنان هیچ ارزشی ندارد. حال ببینیم پیشینیان چگونه از وقت خویش استفاده می‌کردند؟

از عامر بن عبد قیس<sup>۱</sup> رحمه الله که یکی از تابعین بلند نام است. نقل شده که کسی به او گفت: بایست تا با تو سخن بگویم. در جوابش گفت: آفتاب را نگه دار تا با تو سخن بگویم.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> . از کبار تابعین. گفته شده وفات وی در زمان خلافت معاویه رضی

الله عنه بوده است.

<sup>۲</sup> . صید الخاطر ۱/۳۴

یعنی وقتی که آفتاب در حرکت است باید به کاری مشغول شوم که به کارم بیاید و نمی‌توانم وقتم را با سخنان بیهوده تلف نمایم.

عامر بن عبد قیس از قاریان مشهور است. وی به هنگام صبح ندا می‌زد: هر کسی که دوست دارد علم قراءات را بیاموزد نزد ما بیاید.

وی از صبح تا ظهر به مردم قراءات می‌آموخت. بعد از گزاردن نماز ظهر، تا عصر به نماز سنت مشغول می‌شد و بعد از نماز عصر به آموزش قراءات و بعد از نماز مغرب، نماز سنت می‌گزارد. بعد از نماز مغرب تا نماز عشاء به نماز سنت مشغول می‌شد. بعد از نماز عشاء اندکی می‌خوابید و بدن خویش را استراحت می‌داد و سپس به نماز تهجد می‌پرداخت.<sup>۱</sup>

---

۱. صید الخاطر ۳۴/۱

صحابی جلیل القدر عبد الله بن مسعود<sup>۱</sup> رضی الله عنه می‌فرماید: بر هیچ چیز پشیمان نشدم به مانند پشیمانی‌ام از روزی که خورشید غروب کند و از عمرم کاسته شود و علمم بیش‌تر از دیروز نباشد.

حسن بصری<sup>۲</sup> رحمه الله می‌فرماید: من مردانی را دیدم که حرص ایشان بر اوقاتشان بیش از حرص شما بر درهم‌ها و دینارهایتان بود.

حافظ ذهبی در تذکره الحفاظ حماد بن سلمه<sup>۳</sup> را اینگونه می‌ستاید:

امام، محدث، نحوی، حافظ، شیخ الإسلام، حماد بن سلمه، بصری.<sup>۱</sup>

---

۱ . وفات ۳۲ هجری.

۲ . از کبار تابعین، وفات ۱۱۰ هجری.

۳ . از کبار محدثین، نحوی، وفات ۱۶۷ هجری.

شاگرد او عبد الرحمن بن مهدی<sup>۲</sup> رحمه الله فرمود: اگر به حماد بن سلمه رحمه الله گفته می‌شد که فردا از دنیا خواهی رفت، نمی‌توانست بر اعمالش بیفزاید [زیرا تمام وقتش در راه رضای خدا بوده و لحظه‌ای وقتش را بیهوده ضایع نکرده است]. موسی بن اسماعیل تَبُودَکی می‌گوید: اگر به شما بگوییم که هرگز ندیدم حماد بن سلمه خندیده باشد، راست گفتم زیرا او همیشه مشغول بود یا حدیث می‌گفت یا قرآن می‌خواند یا تسبیح می‌گفت یا نماز می‌گزارد. روزش را اینگونه تقسیم کرده بود. یونس بن مُؤَدَّب رحمه الله گفت: حماد بن سلمه در نماز بود که عمرش به پایان رسید و درگذشت.<sup>۳</sup>

---

۱ . تذکرة الحفاظ ۱/۲۰۲ .

۲ . شیخ امام بخاری، وفات ۱۹۸ هجری .

۳ . سیر أعلام النبلاء ۷/۴۴۷ .

خلیل بن احمد<sup>۱</sup> رحمه الله [شیخ نَحْوَبُون] می‌گفت:  
سنگین‌ترین ساعت‌های زندگی‌ام ساعتی است که در آن  
مشغول خوراک خوردن هستم.<sup>۲</sup>  
محمد بن سلام بی‌کندی<sup>۳</sup> رحمه الله در زمان تحصیل علم  
حدیث، قلمش شکست. موقعی که در مجلس املائی حدیث  
نشسته بود گفت: قلم را به یک مثقال طلا خریداری می‌نمایم.  
چنین گفت که چندین قلم به سویس پرتاب شد.<sup>۴</sup>  
این عالم فرزانه از جمله کسانی است که قیمت و ارزش  
وقت را می‌دانسته‌اند این بود که در برابر حفظ وقت، طلا و نقره  
نزد ایشان قیمتی نداشت و آن دو را فدای کسب علم می‌کردند.

---

۱ . شیخ سیبویه، واضع علم عروض، وفات ۱۷۵ هجری.

۲ . الحث علي طلب العلم و الاجتهاد فی جمعه ۸۷/۱.

۳ . شیخ امام بخاری، وفات ۲۲۷ هجری.

۴ . عمدة القاري شرح صحيح البخاري ۱۶۵/۱.

عَمَّار بن رَجَاء رحمه الله گفت: از عُبَيْد بن يَعْيش<sup>۱</sup> رحمه الله شنیدم که می‌گفت: مدت سی سال با دستان خویش در شب خوراکی نخوردم، خواهرم لقمه را در دهانم می‌گذاشت و من حدیث می‌نوشتم.<sup>۲</sup>

یحیی بن مَعین<sup>۳</sup> رحمه الله محدث بزرگ و از علمای برجسته است. پدرش از دنیا رفت در حالی که یک میلیون درهم برایش به ارث گذاشت. او تمامی این ثروت هنگفت را در راه علم صرف نمود تا جایی که پولی نداشت کفش برای خویش خریداری نماید و پا برهنه راه نرود.

---

۱ . محدث بزرگ، شیخ بخاری و مسلم، وفات ۲۲۹ هجری.

۲ . الجامع لأخلاق الراوي و آداب السامع ۱۷۸/۲.

۳ . وفات ۲۳۳ هجری.

یحیی بن معین رحمه الله می‌گوید: با دستان خویش یک میلیون حدیث نوشتم.<sup>۱</sup>

یحیی بن معین اگر با آن ثروت کلانی که از پدرش به ارث برده بود به تجارت می‌پرداخت و سرمایه‌دار بزرگی می‌شد تا وقتی که زنده بود نام او بر سر زبان‌ها جاری می‌شد اما زمانی که از دنیا می‌رفت دیگر کسی یادی از وی نمی‌کرد.

ایشان این راه را انتخاب ننمود، بلکه به علم و دانش روی آورد و سرمایه‌اش را فدای احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم نمود. وی با این کارش توانست رضایت خداوند متعال را جلب نماید و به پاس خدمات وی به احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم، خداوند متعال برای همیشه نام وی را بر سر زبان علماء و محدثین جاری نمود.

---

<sup>۱</sup> . تذکرة الحفاظ ۲/۴۲۹.

محمد بن سُحنون قَیروانی<sup>۱</sup> رحمه الله روزی مشغول تألیف بود تا اینکه شب فرا رسید. کنیزش خیر داد که شام آماده است. ابن سحنون گفت: من اکنون مشغول تصنیف و نگارش می‌باشم.

کنیزش وقتی که دید غذا سرد می‌شود و بی‌مزه می‌گردد، شام را لقمه لقمه در دهانش گذاشت در حالی که ابن سحنون از اطراف بی‌خبر و در أعماق دریای علم و دانش غواصی می‌کرد. تا اینکه اذان صبح گفته شد ابن سحنون به کنیزش گفت: اکنون شام را بیاور. کنیز گفت: به خدا سوگند که شام را در دهانت گذاشته‌ام. ابن سحنون گفت: اما من با خبر نشدم.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> . از کبار علمای مالکیه، وفات ۲۵۶ هجری.

<sup>۲</sup> . ترتیب المدارک ۲۱۷/۴.



علما و اندیشمندان این گونه بودند که وقتی غرق در تألیف و مطالعه می‌شدند حس نمی‌کردند که اطرافشان چه می‌گذرد و از کار خویش لذت می‌بردند.

ثعلب نحوی<sup>۱</sup> رحمه الله یکی از پیشوایان علم نحو، لغت، ادب، حدیث و قرائت است.

سبب وفات وی این بود که روز جمعه بعد از نماز عصر از مسجد جامع بیرون آمد به علت پیری، دچار کوری شده بود و با زحمت می‌شنید. او در راه بازگشت به منزل، مشغول مطالعه بود. در این اثناء اسب سواری با او تصادف کرد و او را در گودالی انداخت.

وقتی او را از گودال بیرون آوردند هذیان می‌گفت. او را به خانه‌اش بردند در حالی که از سر درد می‌نالید. تقدیر چنین شد که در دومین روز درگذشت.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . وفات ۲۹۱ هجری.

کسانی که نام خویش را در صفحات تاریخ به یادگار گذاشتند و ما تا به امروز از علم و دانش ایشان استفاده می‌کنیم اجازه نمی‌دادند که لحظه‌ای از عمرشان ضایع شود و بیهوده بگذرد و حتی در راه هم مشغول مطالعه بودند.

ابن جریر طبری<sup>۲</sup> رحمه الله هنگام مرگ نیز به دنبال علم و دانش بود.

روایت شده که به ابن جریر طبری رحمه الله گفته شد: این دعایی است که از امام جعفر صادق<sup>۳</sup> رحمه الله روایت شده است. ابن جریر قلم و کاغذی درخواست نمود و آن دعا را نوشت. به او گفته شد: در چنین حالتی می‌نویسی؟

---

۱ . الحث علی طلب العلم و الإجتهد فی جمعه ۱/۷۷ .

۲ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۳۱۰ هجری .

۳ . فقیه و مجتهد بزرگ، وفات ۱۴۸ هجری .

فرمودند: شایسته است که انسان، اقتباس و استفاده از علم را تا لحظه‌ی مرگ از دست ندهد.<sup>۱</sup>

---

۱. کنوز الأجداد ۱/۱۲۳

مشابه آن: شیخ ما، شیخ میر عبد الله تخت دار رحمه الله فرمودند: باخبر شدیم که شیخ نحوی رحمه الله از علمای بندر عباس بیمار و در بیمارستان بستری است. به همراه شیخ محمد شریف صالحی رحمه الله راهی بندر عباس شدیم و خود را به بیمارستان رساندیم. دیدیم که شیخ نحوی در سكرات قرار دارد. وقتی شیخ نحوی، شیخ حاج محمد شریف را دید بی‌درنگ پرسید: فلان کلمه، معرفه است یا نکره؟ شیخ حاج محمد شریف با آرامش به پرسش ایشان پاسخ داد.

بعد از عیادت، خدا حافظی نموده و سوار لنج شدیم ناگهان خبر رسید شیخ نحوی رحمه الله رحلت نموده است.

علمای ما در ثانیه‌های پایانی عمر نیز شیفته‌ی علم و دانش بودند و برای رسیدن به کمالات لحظه‌ای را ضایع نمی‌کردند.

امام ابن شاهین<sup>۲</sup> رحمه الله محدث بزرگ عراق، ۳۳۰  
تصنیف دارد.<sup>۱</sup>

ابن شاهین رحمه الله فرمود: تا به امروز حساب کرده‌ام آنچه  
مرکب خریداری نموده‌ام به هفتصد درهم رسیده است.<sup>۲</sup>

یعنی برای تألیف کتاب‌های خویش مجبور بوده مبلغ  
هنگفتی پرداخت نماید. زیرا هر چه تألیفات زیادت‌تر باشد مرکب  
بیشتری مصرف می‌شود پس واضح است که چقدر تألیفات  
داشته و از وقتش به خوبی استفاده نموده است.

ابو ریحان بیرونی<sup>۳</sup> رحمه الله یکصد و بیست تألیف گرانبها از  
خود به جای گذاشت.

---

۱ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۳۸۵ هجری.

۲ . تذکرة الحفاظ ۳/۹۸۷.

۳ . وفات ۴۴۰ هجری.

تألیفات او در علم فلک، طب، ریاضیات، ادب، لغت، تاریخ و غیره می‌باشد. و به پنج زبان زمان خود یعنی عربی، فارسی، هندی، سریانی و سنسکریت مسلط بود.<sup>۱</sup>

امام الحرمین ابو المعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی<sup>۲</sup> رحمه الله متبحر در انواع علوم می‌گوید: خواب و خوراکم به حسب عادت نیست، نمی‌خواهم مگر وقتی که خواب بر من غلبه کند روز باشد یا شب، و آن هم یک ساعت یا کمتر. و زمانی لب به غذا می‌زنم که اشتهای آن داشته باشم و آن هم اندکی.

لذت و تفریح و شادی او همه در مذاکره‌ی علم و بدست آوردن هر نوع فوایدی بود.<sup>۳</sup>

---

۱ . معجم الأدباء ۱/ ۱۸۱ .

۲ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۴۷۸ هجری .

۳ . تبیین الکذب المفتری ۳/ ۱۱۴۱ .

امام ابو الفرج بن جوزی<sup>۱</sup> رحمه الله تألیفات او به بیش از پانصد کتاب می‌رسد.<sup>۲</sup>

ابن جوزی رحمه الله می‌فرماید: در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد نظر کردم، دیدم کتابخانه‌ی آن دارای شش هزار جلد کتاب است. همچنین در فهرست کتاب‌های امام ابوحنیفه، حُمیدی، محمد بن فتوح اندلسی، شیخ ما أنماطی، ابن ناصر و کتاب‌های ابومحمد حَسَّاب که تمامی این‌ها، بار چندین شتر می‌شود همه‌ی این‌ها را خوانده‌ام و اگر بگویم بیست هزار جلد را مطالعه کرده‌ام باز هم مطالعه‌ام بیش‌تر است. و هنوز هم در جستجوی کتابی هستم که آن را بخوانم.<sup>۳</sup>

---

۱ . از کبار علمای حنابله، وفات ۵۹۷ هجری.

۲ . مؤلفات ابن الجوزی.

۳ . صید الخاطر ۱/۱۲.

ابن جوزی رحمه الله در کتاب [لَفْتَةُ الْكَبِدِ فِي نَصِيحَةِ الْوَالِدِ] که برای نصیحت فرزند خویش به نگارش درآورده است، می‌نویسد: «ای فرزند عزیزم! بدان که روزها قسمت می‌شوند به ساعت‌ها، و ساعت‌ها قسمت می‌شوند به نَفَس‌ها. و هر نَفَس حکم خزینه‌ای را دارد. پس برحذر باش از این که نَفَس به هیچ بگذرد و در روز قیامت خزینه‌ات را خالی بیابی و باعث ندامت و پشیمانی‌ات شود.

در زندگی‌ات تأمل کن. ببین زندگی‌ات چگونه می‌گذرد؟ وجودت را به انجام نیکوترین عمل تمرین بده و بسوی قبر خویش اعمالی را رهسپار کن تا روز قیامت که این اعمال بسوی تو باز می‌گردند موجب خوشحالی و شادمانی‌ات گردند»<sup>۱</sup>

آورده‌اند که ابن جوزی رحمه الله وصیت کرده بود وقتی چشم از دنیا بستم و خواستید مرا غسل بزنید آب غسل من را با

---

<sup>۱</sup> . لفتة الكبد في نصيحة الولد ۳۹/۱.

تراشیده‌های قط زدن قلم‌هایی که با آن تألیف کرده‌ام، گرم نمایند. آب غسل او را با آتش زدن تراشیده‌های قط زدن قلم‌هایی که با آن تألیف کرده بود، گرم کردند باز هم کفایت کرد و زیاد هم شد.<sup>۱</sup>

ابن النّحّاس حلبی نحوی<sup>۲</sup> رحمه الله سروده است:  
الْيَوْمَ شَيْءٌ وَ غَدًا مِثْلُهُ مِنْ نُحْبِ الْعِلْمِ الَّتِي تُنْتَقَطُ  
يُحْصِلُ الْمَرْءُ بِهَا حِكْمَةً وَإِنَّمَا السَّبِيلُ اجْتِمَاعُ التُّقَاتِ<sup>۳</sup>  
امروز چیزی از برگزیده‌های علم چیده می‌شود و فردا هم همانند آن.

بوسیله‌ی آن شخص، حکمت به چنگ می‌آورد و همانا از جمع شدن قطره‌های باران، سیل به راه می‌افتد.

---

۱ . الكنى و الألقاب ۱/ ۲۴۲

۲ . از کبار علمای مالکیه، وفات ۶۹۸ هجری.

۳ . بغية الوعاة ۱/ ۱۴.



فضیل بن عیاض<sup>۱</sup> رحمه الله می‌فرماید: کسی را می‌شناسم  
که از این جمعه تا جمعه‌ی دیگر سخن خویش را می‌شمرد.<sup>۲</sup>  
یعنی آنان اوقات خویش را در تدریس، تألیف و عبادت  
صرف می‌کردند و وقتی برای سخنان بی‌فایده نداشتند.  
مردی عبادت‌کار نزد سَری سَقَطی<sup>۳</sup> رحمه الله آمد و دید  
گروهی از مردم نزد او نشسته‌اند، گفت: محلّی شده‌ای برای  
نشستن بیکاران!  
سپس آن مرد رفت و نشست.<sup>۴</sup>

---

۱ . از کبار زهاد و محدثین، وفات ۱۸۷ هجری.

۲ . صید الخاطر ۱/۹۱۴ .

۳ . از کبار زهاد و عارفین، وفات ۲۵۳ هجری.

۴ . صید الخاطر ۱/۹۲۴ .

جماعتی نزد معروف کرخی<sup>۱</sup> رحمه الله آمدند و مدت طولانی نزد او نشستند. معروف کرخی گفت: آیا نمی‌خواهید بلند شوید؟ فرشته‌ای که خورشید را می‌راند، آن را متوقف نمی‌سازد.<sup>۲</sup>

یکی از صالحین به دوستانش گفت: وقتی از نزد من بیرون رفتید از هم جدا شوید. زیرا از همدیگر که جدا شدید ممکن است قرآن بخوانید یا به تسبیحات مشغول شوید، اما اگر با هم باشید به سخن گفتن با یکدیگر مشغول می‌شوید و وقت شما بیهوده ضایع می‌گردد.<sup>۳</sup>

امام فخر رازی<sup>۴</sup> رحمه الله در ۶۳ سالگی درگذشت. وی بیش از دویست تألیف محققانه دارد.

---

۱ . از کبار زهاد و عارفین، وفات ۲۰۰ هجری.

۲ . لفظة الكبد فی نصیحة الولد ۴۰/۱ .

۳ . صید الخاطر ۹۲/۱ .

۴ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۶۰۶ هجری.

امام فخر رازی می‌فرماید: به خدا قسم افسوس می‌خورم از وقتی که به سبب خوراک خوردن از علم باز می‌مانم. او زمانی که در دل شب مسأله‌ای را حل می‌کرد لذت می‌برد و می‌گفت: کجا هستند پادشاهان و فرزندانشان که ببینند ما چه لذتی می‌بریم؟!<sup>۱</sup>

امام ابو الوفاء ابن عقیل حنبلی<sup>۲</sup> رحمه الله، کتاب [الفنون] وی بزرگترین کتاب دنیا است که انواع فواید در علوم مختلف در آن یافته می‌شود مانند: وعظ، تفسیر، فقه، اصول فقه، اصول دین، نحو، لغت، شعر، تاریخ، حکایات. همچنین مناظراتی که در مجالس علم برایش رخ داده است همه را در این کتاب ثبت نموده است.

---

۱ . عیون الأنباء في طبقات الأطباء ۳۴/۲ .

۲ . از کبار علمای حنابله، وفات ۵۱۳ هجری .

ابن رجب حنبلی می‌گوید: بعضی از کسانی که این کتاب را دیده‌اند گفته‌اند: این کتاب هشتصد جلد است.<sup>۱</sup>

حافظ ذهبی می‌گوید: در دنیا کتابی بزرگ‌تر از این تصنیف نشده است. یکی از دوستان از جلد چهارصد و اندی که دیده بود، حکایت می‌کرد.<sup>۲</sup>

ابن سَکِیْنَه<sup>۳</sup> رحمه الله به شاگردانش می‌فرمود: همین که به کلاس درس وارد شدید فقط سلام کنید و بنشینید و فوراً مشغول درس و مباحثه شوید تا اینکه وقت از دست نرود.<sup>۴</sup>

چنین افرادی بودند که علم را ترقی دادند و شاگردانی را تربیت نمودند که توانستند علم و دانش را در دولت اسلامی به

---

۱ . ذیل طبقات الحنابلہ ۱/۱۴۲ .

۲ . تاریخ الإسلام ۱۱/۲۰۳ .

۳ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۶۰۷ هجری .

۴ . سیر أعلام النبلاء ۲۱/۵۰۲ .

اوج برسانند. و اروپاییان آن زمان را مجبور کردند برای کسب علم و دانش، به بلاد اسلامی هجرت کنند و نزد علمای اسلام شاگردی نمایند.

حافظ عبدالعظیم منذری<sup>۱</sup> رحمه الله صاحب مختصر صحیح بخاری می‌گوید: با دستان خودم نود جلد و هفتصد جزء از تألیفات دیگران نوشتم.<sup>۲</sup> [هر جزء برابر سی صفحه‌ی امروزی است].

امام نووی<sup>۳</sup> رحمه الله می‌فرماید: شیخ ما فرمود: در مدرسه‌ی قاهره دوازده سال با امام منذری رحمه الله همسایه بودم، هر

---

۱. از کبار علمای شافعیه، وقت ۶۵۶ هجری.

۲. بستان العارفین ۱/۱۹۱.

۳. از کبار علمای شافعیه، وفات ۶۷۶ هجری.

زمانی از شب بیدار می‌شدم می‌دیدم که چراغ او روشن و مشغول علم و دانش است.<sup>۱</sup>

حافظ منذری رحمه الله از مدرسه بیرون نمی‌رفت نه برای شادی نه برای عزا و نه برای گردش و نه غیر از آن، مگر برای نماز جمعه که جهت ادا کردن آن از مدرسه بیرون می‌رفت.<sup>۲</sup>

وی فرزندی فاضل و نجیب و محدث داشت که یکی از تیزهوشان و نابغه‌های حفاظ بود. تقدیر بر این بود که زودتر از پدرش از دنیا رحلت کند.

---

<sup>۱</sup> . مشابه آن: شیخ ما میر محمد حفظه الله حکایت می‌کرد:

زمانی که در شام مشغول تحصیل بودیم از خوابگاه دانشگاه ما، منزل دکتر محمد سعید رمضان البوطی رحمه الله دیده می‌شد. شب‌ها از ساعت تقریباً دو نیمه شب به بعد، همیشه چراغ اتاق وی روشن و مشغول تصنیف و عبادت بود و با حفظ وقت توانست حدود شصت تألیف را از خویش به یادگار بگذارد.

<sup>۲</sup> . بستان العارفین ۱/۱۹۲.

حافظ منذری رحمه الله داخل مدرسه بر جنازه‌ی پسرش نماز خواند و در تشییع جنازه‌اش تا دروازه‌ی مدرسه شرکت نمود. آنجا چشمانش پر از اشک شد و گفت: فرزندم تو را به خدا سپردم. سپس از او جدا شد و از مدرسه بیرون نرفت.<sup>۱</sup>

امام نووی<sup>۲</sup> رحمه الله می‌فرماید: دو سال از سال‌های تحصیل علم، پهلوی بر زمین ننهادم.

ابو الحسن عطار رحمه الله فرمود: شیخ ما [امام نووی] به من گفت: هرگز وقت خویش را ضایع نمی‌سازم.

او تمام وقت خویش را در مشغول بودن به علم می‌گذراند. حتی در راه رفتن مشغول تکرار درس و مطالعه می‌شد و بر این حال شش سال گذراند.

---

۱ . طبقات الشافعیه الکبری ۸/ ۲۶۰ .

۲ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۶۷۶ هجری .

در هر روز و شبی یک بار خوراک می‌خورد و آن هم بعد از نماز عشاء، و هر روز و شبی یک بار آب می‌آشامید و آن هم در وقت سحر.

از خوردن خیار و میوه خودداری می‌کرد و می‌فرمود: می‌ترسم اگر میوه و خیار بخورم رطوبت به جسمم بدهد و خواب بر من غلبه کند.

او زن نگرفت و در سن ۴۵ سالگی از دنیا رحلت فرمود. وقتی ورقه‌های کتاب‌هایی که نوشته بود را بر عمرش تقسیم کردند، دیدند روزی ۷۲ صفحه نوشته است. این موهبه‌ی الهی است که فردی بتواند روزی ۷۲ صفحه تألیف نماید آن هم اگر از روز تولد تا روز وفات وی حساب کنند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . طبقات الشافعیه لابن شهیه ۱۹۴/۲ .



خداوند متعال از چنین علمایی راضی باد که انگیزه و اشتیاق را در وجود ما می‌کارند و با عمل خویش به ما می‌فهماند که خواستن توانستن است.

ابن النّفیس<sup>۱</sup> رحمه الله طبیب ماهر و فقیه سرشناس بود. وی در علم طب یگانه‌ی روزگار بود.

او کتاب [الشامل] در طب نوشت. از فهرست این کتاب دانسته می‌شود که سیصد مجلد بوده است. غیر از این کتاب، بیش از ده کتاب دیگر در علم طب، فقه و منطق نیز از خویش به یادگار گذاشته است.

امام برهان الدین ابراهیم رشیدی می‌گوید: زمانی که ابن النّفیس اراده‌ی تصنیف می‌نمود، قلم‌ها را از قبل آماده می‌کرد و رو به سمت دیوار کرده، از حفظ می‌نوشت. قلم او همانند سیل بر روی کاغذ حرکت می‌کرد.

---

<sup>۱</sup> . از کبار علمای شافعیه، وفات ۶۸۶.

ابن نفیس دستگاه گردش خون را هفت قرن پیش کشف کرد.

ابن النفیس ازدواج نکرد. او خانه و همه‌ی کتاب‌ها و اموال خویش را وقف بیمارستان منصوریه کرد.

شاگردش حکیم سدید دمیاطی می‌گوید: در یکی از شب‌ها استادم ابن النفیس و قاضی جمال الدین بن واصل بعد از نماز عشاء با یکدیگر جمع شدند. این دو بزرگوار با یکدیگر به مناظره پرداختند در این اثناء خواب بر من غلبه کرد. با صدای اذان صبح از خواب بیدار شدم. اما آنان را بر همان حالت در حال مذاکره یابیدم.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . روضات الجنات ۵/ ۲۹۰.

ابن تیمیه<sup>۱</sup> رحمه الله سیصد تألیف در فنون مختلف دارد که در ضمن پانصد مجلد است و دانش آموز او ابن قیم<sup>۲</sup> رحمه الله پنجاه تألیف دارد.

امام شوکانی<sup>۳</sup> رحمه الله در یمن قاضی و مفتی بود او دارای ۱۱۴ تألیف است.

شیخ الهند، اشرف علی تهرانی هندی<sup>۴</sup> رحمه الله که فقط حدود هفتاد و هشت سال از وفات او می‌گذرد، توانست بیش از هزار جلد کتاب بنویسد.

قاضی ابوبکر باقلانی<sup>۵</sup> رحمه الله در هر شب بیست رکعت نماز می‌خواند و از حفظ، روزی سی و پنج ورق می‌نوشت.

---

۱ . از کبار علمای حنابله، وفات ۷۲۸ هجری.

۲ . از کبار علمای حنابله، وفات ۷۵۱ هجری.

۳ . از کبار علمای حنابله، وفات ۱۲۵۵ هجری.

۴ . از کبار علمای احناف، وفات ۱۳۶۲ هجری.

۵ . از کبار علمای مالکیه، وفات ۴۰۳ هجری.

ابن ابی الدنیا<sup>۱</sup> رحمه الله از خود، یک هزار تألیف به جا گذاشت.

ابن عساکر<sup>۲</sup> رحمه الله بیش از پنجاه تألیف دارد. تنها کتاب تاریخ دمشق را در هشتاد مجلد قطور نوشت.

فرزند او محدث بهاء الدین قاسم رحمه الله گفت: پدرم [ابن عساکر] در رمضان هر روزی یک بار قرآن ختم می‌کرد و در غیر رمضان هر هفته‌ای یک بار قرآن ختم می‌نمود. و از چهل سال به این طرف اگر لحظه‌ای از وقت او فوت می‌شد خود را به حساب می‌کشید که چرا گذاشته است لحظه‌ای از وقتش از دست برود.<sup>۳</sup>

---

۱ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۲۸۱ هجری.

۲ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۵۷۱ هجری.

۳ . تذکره الحفاظ ۴/ ۱۳۲۸.

امام عبدالحی لکنوی<sup>۱</sup> رحمه الله، عمرش از سی و نه سال تجاوز نکرد اما فردی منظم و وقت‌شناس بود زیرا مؤلفاتش به یکصد و ده کتاب می‌رسد.

امام ابوالحسن أشعری<sup>۲</sup> رحمه الله شخصیتی که توانست بدعت معتزله را در هم بکوبد و از نو احیای سنت نماید، تألیفات ایشان به پنجاه کتاب می‌رسد و بیش‌تر این تألیفات در ردّ گروه گمراهان است و این نوع تألیف از دشوارترین انواع تألیفات است و از آن جمله است تفسیری که در هفتاد جلد نوشته است. تألیفات ابن سُرَّیج<sup>۳</sup> رحمه الله به چهارصد کتاب رسیده است. تألیفات جلال الدین سیوطی<sup>۱</sup> رحمه الله به یک‌هزار و صد تألیف می‌رسد. وی در علوم و فنون مختلف تألیف دارد.

---

۱ . از کبار علمای حنفیه، وفات ۱۳۰۴ هجری.

۲ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۳۲۴ هجری.

۳ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۳۰۶ هجری.

ابن جوزی رحمه الله می‌گوید:

کتاب‌هایی که شخص از خود به جا می‌گذارد فرزندان  
جاویدان او هستند.

علامه ابو المعالی آلوسی<sup>۲</sup> رحمه الله روزی بیست و چهار  
درس تدریس می‌کرد و روزهایی که تفسیر معروف خویش را  
می‌نوشت و به افتاء نیز مشغول بود، به طلاب روزی سیزده  
درس می‌داد.<sup>۳</sup>

شیخ بهجت اُثری رحمه الله در مورد نوهی ایشان محمود  
شکری آلوسی<sup>۴</sup> می‌گوید: روزی که باد سختی می‌وزید و باران  
شدید می‌بارید و کوچه‌ها گِل و لای شده بود من به کلاس

---

۱ . از کبار علمای شافعیه، وفات ۹۱۱ هجری.

۲ . از کبار علمای احناف، وفات ۱۲۷۰ هجری.

۳ . الالوسی مفسرا ۱/۴۳.

۴ . از کبار علمای احناف، وفات ۱۳۴۲ هجری.

درس نیامدم و فکر نمی‌کردم در چنین روزی شیخ برای درس به مدرسه آمده باشد، فردای آن روز که به مدرسه رفتم، دیدم که بالحن خشمناک می‌فرماید: لَا خَيْرَ فِيمَنْ عَاقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ.

خیری نیست در کسی که گرما و سرما باعث غیبت او از کلاس درس شود.<sup>۱</sup>

صحابی جلیل القدر، أمير المؤمنين عمر<sup>۲</sup> رضی الله عنه می‌فرمود: من دوست نمی‌دارم یکی از شما را بیکار بینم که نه به کار دنیا مشغول باشد و نه به کار آخرت پرداخته باشد.

این‌ها پاره‌ای از همت والای علمای بزرگواری بود که با جدیت و تلاش مضاعف راه‌های ترقی و پیشرفت را برای خویش هموار نمودند و آثاری را نه تنها به عالم اسلام بلکه به جامعه‌ی بشریت تقدیم نمودند که امروزه انسان‌ها انگشت

---

۱ . إتحاف الأعماد ۱/۲۵ .

۲ . شهادت ۲۳ هجری .

تعجب به دهان می‌گذارند و در ضمیر خویش می‌گویند مگر این اشخاص چقدر عمر داشته‌اند که این همه تألیف و تصنیف از خویش به جای گذاشتند؟

وقتی سرگذشت علمای اعلام را می‌خوانیم اشتیاق‌مان دوچندان می‌شود که بار دیگر، ورق‌ها را به عقب برگردانیم و دوباره سرگذشت این بزرگواران را مطالعه کنیم و همّت والای ایشان را بستاییم.

ما باید این علمای برجسته را الگوی خویش قرار دهیم و از وقت‌شناسی ایشان درس بگیریم.

امام ابن القیم رحمه الله در مدارج السالکین می‌نویسد: امام شافعی<sup>۱</sup> رحمه الله می‌فرماید:

از همنشینان با صوفیان این دو سخن آموختم:  
سخن اول:

---

<sup>۱</sup> . مجتهد مطلق، وفات ۲۰۴ هجری.



الْوَقْتُ سَيْفٌ إِنْ لَمْ تَقْطَعْهُ قَطَعَكَ.

«وقت همانند شمشیر است اگر تو آن را قطع نکنی آن، تو را قطع خواهد کرد.»

یعنی اگر از وقت استفاده کردی خوب، و اگر نه وقتِ تو که گذشت دیگر بر نخواهد گشت و در روز قیامت حسرت و پشیمانی عاید تو خواهد شد.

سخن دوم:

نَفْسُكَ إِنْ شَغَلَتْهَا بِالْحَقِّ وَإِلَّا شَغَلَتْكَ بِالْبَاطِلِ.

«اگر وجودت را در راه حق به کار گرفتی خوب، و اگر نه تو را به باطل مشغول می‌سازد.»

ابن القیم رحمه الله در ادامه می‌نویسد: این دو جمله چقدر عظیم، نافع و جامع هستند و همت والا و بیداری گوینده‌ی آن را می‌رساند.<sup>۱</sup>

---

۱ . مدارج السالکین ۳/۱۲۴.

رسول الله صلى الله عليه و سلم می فرماید: نِعْمَتَانِ مَغْبُوتٌ  
فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، الصَّحَّةُ وَ الْفِرَاقُ.<sup>۱</sup>

دو نعمت هستند که بسیاری از مردم، در آن دو فریب  
می خورند: نعمت تندرستی و نعمت فراغت.

شاعر می گوید:

وَ لَسْتُ بِمُدْرِكٍ مَا فَاتَ مِنِّي بِلَهْفٍ وَ لَا بِلَيْتٍ وَ لَا لَوْ  
آن چیزی که از من گذشت به هیچ وجه دوباره نمی توانم  
بدست بیاورم نه با افسوس خوردن، و نه با گفتن ای کاش، و نه  
با گفتن اگر این کار را می کردم.

حدیثی دیگر از رسول الله صلى الله عليه و سلم وارد شده  
است: مَا مِنْ يَوْمٍ طَلَعَتْ شَمْسُهُ إِلَّا يَقُولُ : مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَفْعَلَ فِيَّ  
خَيْرًا فَلْيَعْمَلْهُ فَإِنِّي غَيْرُ مُكْرَرٍ عَلَيْكُمْ أَبَدًا.<sup>۱</sup>

---

۱ . بخاري ۶۴۱۲ .

۲ . معاني القرآن للاخفش ۱/۷۲ .

«هر روزی که آفتاب آن طلوع نمود، می‌گوید: کسی که بتواند عمل خیری در من انجام بدهد، آن را انجام دهد. زیرا وقتی رفتم دیگر هرگز باز نخواهم گشت».

پس خوشا به حال کسانی که به فرمایشات رسول الله صلی الله علیه و سلم ارج می‌نهند و از سیرت سلف صالح درس می‌گیرند و از وقت خویش در راه علم و عبادت و خدمت به خلق بهره‌برداری می‌نمایند. چنین کسانی‌اند که باعث پیشرفت و ترقی جامعه می‌شوند.

به امید اینکه روزی برسد و مسلمانان هویت اصلی خویش را پیدا کنند. در پایان از خداوند منان می‌خواهیم که مورد قبول واقع شود و خوانندگان از آن نفع ببرند.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

---

۱ . بیهقی در شعب الایمان ۳۵۵۸ .

